دانشجو

مرتضی جلالی‌فخر

لطفا آرام بنشینید!

چیزی نیست که بتوانی فراموشش کنی . همه تنت را مـی گیرد .دنبال جایی می‌گردی تـا خودت را از درد رها کنـی و دندانت آرام گیـرد، اما قیمت های بالا اجـازه هر انتخابی را به ما نمی دهد . شـاید به همین دلیل باشد که مراجعین مراکز آموزشـی دندان پزشـکی روز به روز بیشـتر می شـوند . به سراغ یکی از دانشـجوهای دندان پزشکی می‌روم و از او در مورد وضعیت این مراکز می پرسم . هم از نظر آموزشی و هم از نظر مداوای بیماران . «به هر حال اینجا یک مرکز آموزشـی اسـت، اما بهترین استاد ها را دارد که دانشجویان زیر نظر آنها بیماران را درمـان می‌کنند». این حرف‌ها را مهدی طبرستانی، دانشجوی دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، می‌گوید و ادامه می دهد : «از لحاظ وضعیت یونیت‌ها، گرچه بعضی از یونیت ها نسبت به بقیه کم سال‌ترند اما از عمر بقیه شـان چندین سـال می گذرد و دچار فرسـودگی شده‌اند. این در مورد بقیه وسـایل مصرفی هم صدق می کند». وقتی از او در مورد کیفیت مواد اسـتفاده شـده برای ترمیم دندان ها سـؤال می‌کنم، می‌گوید: این مواد کیفیت متوسطی دارند، اما به این نکته نیز اشـاره می کند که همه آنها، تمام تلاششان را برای جلب رضایت بیماران انجام می‌دهند و به بیماران تنها به عنوان یک فرصت آموزشی نگاه نمی‌کنند . از نظر او کیفیت آموزش عملی در دانشگاه آنها از سطح خوبی برخوردار است .

بی شک دانشـکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشـکی تهـران، از معتبـر ترین مراکز آموزشی کشـور اسـت که با تجهیز مناسب امکانـات، نه تنها کیفیت آموزشـی این مرکز را ارتقا می‌دهد بلکه رضایت بیشتر مراجعین را که اغلب از قشـر کم درآمد و آسیب پذیر جامعه نیز هسـتند، به همراه خواهد داشـت. مسئله ای که از اصلی ترین شعار های دولت نهم است .

روزشمار

مرتضی جلالی فخر

۱۵ شهریور

٦ سپتامبر ۱۹٤۰ میلادی:
در گذشـت «فوبوس آرون تئودورلوین» شیمیدان آمریکایی و کاشف قند پنتوز موجود در DNA.

۱٦ شهریور

۷ سپتامبر ۱۷۹۹ میلادی:
در گذشـت «یان اسـنگیهنوز» پزشک و بیوشیمیدان آلمانی که شهرتش به علت کشف فرایند فتوسنتز است.

۱۸ شهریور

۸ سپتامبر ۱۹۸۹ میلادی:
درگذشت«پاول آلفردوایس»،زیست‌شناس اتریشـی – امریکایی کـه تحقیقاتی در مورد نوسازی سلول‌های عصبی و مکانیسم تکامل سلول های عصبی انجام داد.

۱۹ شهریور

۱۰ سپتامبر ۱٦۲٤ میلادی:
تولد «توماس سـیدنهام» پزشک انگلیسی واز پایه گذاران اسـپیدومولوژی؛ او به بقراط انگلستان مشهور است.

۲۲ شهریور

۱۳ سپتامبر ۱۸۵۳ میلادی:
تولد «سـر رابرت رابینسـون»، شیمیدان انگلیسـی و برنده جایزه نوبل شیمی در سال ۱۹۷٤ میلادی.

۲۳ شهریور

۱٤سپتامبر ۱۸٤۹ میلادی:
تولد«ایوان پترویچ پاولوف»،فیزیولوژیست روسی و از پیشگامان تحقیقات روان شناسی.

۲۵ شهریور

۱٦ سپتامبر ۱۷۹٦ میلادی:
تولد «ژان باپسیت بویلاد»، پزشک فرانسوی که برای نخسـتین بار با مطالعات بالینی نشان داد که مرکز تکلـم در لوب های قدامی مغز قرار گرفته است.

۲٦ شهریور

۱۷ سپتامبر ۱۹۰۵ میلادی:
تولد«مدیل چیس»، ایمنی شناس آمریکایی که در سال ۱۹٤۰ موفق شد واکنش های ایمنی با واسطه سلول را شناسایی کند.

۲۸ شهریور

۱۹ سپتامبر ۱۸٤٦ میلادی:
تولد «کارل اریش کوربز»، ژنتیک‌دان آلمانی و از احیا کنندگان نظریات مندل.

متأسفانه هنوز دید مردم و حتی پزشکان نسبت به داروهای ایرانی با واقعیت منطبق نیست.

گفت وگو با دکتر غلام حسین فرزندی، مدیرعامل و دکتر مصطفوی، رئیس بخش بازاریابی شرکت داروسازی اکسیر

صنعت روی شانه‌های دارو!

وظیفه اصلی رسانه‌ها آگاهی دادن نسبت به محصولات تولید داخل است

بقیه از صفحه اول

او ادامه می‌دهد: «در مورد تولیدکنندگان دارو این نقش بارزتر اسـت، زیرا کالای تولیدی این شـرکت‌ها با کالای دیگر تفاوت‌های اساسـی دارد. مهم‌تریـنش اینکـه مصرف کننـده خود انتخاب کننده نیست. از سوی دیگر شرکت‌های داروسـازی تولید کننده صرف نیستند و وظیفه اصلی‌شـان ارتقای سـطح بهداشت و سلامت جامعه است».

شروعی برای بازاریابی متفاوت

از دکتـر مصطفوی سـؤال می‌کنم چه طور می‌شود با یک فعالیت بازاریابی، برای کل جامعه نفعی به دست بیاید؟ او در جواب بر قدمت صد ساله بازاریابی در دنیای اقتصاد اشاره می‌کند اما می‌گوید کـه امروز روش‌هـای جدیدی برای بازاریابی مثل Social Marketing به وجود آمده‌اند که همین هدف را دنبال می‌کند. از دکتر می‌خواهم دربـاره مفهـوم بازاریابی اجتماعی بیشـتر توضیح دهد. دکتر مصطفوی در جواب می‌گویـد: «در بازاریابی اجتماعـی ما به جای تمرکز در تولید دارو به تشخیص و پیشگیری از بیماری هم کمک می‌کنیم. در واقع ما در شرکت اکسیر از تمام روش‌های Social Marketing استفاده می‌کنیم، به عنوان مثال در مورد دیابت، شرکت اکسـیر با برگزاری دوره‌های آموزشی، دعوت از اسـتادان و صاحب نظـران خارج از کشـور، همکاری با معاونت سـلامت، شرکت در کنگره‌های خارج از کشور، تأمین تسهیلات و همکاری بـا NGOها و راه‌اندازی سـایت «اکسیر دیابت» تلاش کرده است تا به کم شدن هزینه‌های این بیماری برای جامعه کمک کند.

شرکت‌های داروسازی و رسانه؛ با گارد بسته!

رویم با دکتر فرزندی اسـت. سؤال می‌کنم که رسـانه در فرآیند اطلاع‌رسـانی و بازاریابی شـرکت‌های داروسـازی چـه نقشـی دارد. مدیرعامل شـرکت اکسـیر فعالیت‌های معرفی یـک دارو را که به دنبال تولیـد هر دارو اتفاق می‌افتد، به دو دسته تقسیم می‌کند:«ما با دو شکل معرفی دارو روبرو هسـتیم. یکی غیرمسـتقیم که بـا حمایت از برگـزاری کنگره‌های علمی، همایش‌ها و برنامه‌های مطالعاتی انجام می‌گیرد و دسـته دیگر معرفی مستقیم است که تعامل با رسانه‌ها در این بخش صورت می‌گیرد».

دکتر فرزندی در ادامه از محدودیتی می‌گوید که در تمام دنیا برای معرفی دارو در رسـانه‌ها وجـود دارد. او علت این موضوع را اسـتفاده از واژه‌هـای علمـی در تبلیغـات می‌دانـد که باعث عدم استنباط درسـت مخاطب می‌شود. از سـوی دیگر، آگاهی عمـوم از یک اثر مثبت دارو ممکن‌اسـت باعث شود بیمار بدون توجه به اتیولوژی مشـکلش به مصـرف دارو اقدام کند. غیـر از این، اطلاع جامعه از عوارض یک دارو باعث ایجاد وحشـت غیرمنطقی نسبت به مصرف دارو خواهد شد.

رسانه‌های مکتوب، کم ولی مفید!

از دکتر مصطفوی در مورد نقش رسانه‌های مکتوب تخصصی می‌پرسـم. رسانه‌هایی که به واسطه حوزه توزیعشان با خیلی از محدودیت‌ها روبرو نیسـتند. دکتر مصطفوی می‌گوید: «این نوع رسـانه‌ها رسـالت بزرگی بر دوش دارند. به نظـر من وظیفه اصلی این رسـانه‌ها آگاهی دادن نسـبت به محصولات تولید داخل است. متأسفانه هنوز دید مردم و حتی پزشکان نسبت به داروهـای ایرانی مطابق با واقعیت نیسـت. جالب اینکه برای نگاه‌هـای منفی به داروهای ایرانی هیچ مدرک و شاهد علمی وجود ندارد». دکتر مصطفوی از نقش نشریات تخصصی هم صحبت می‌کند و همین «طبیب» خودمان را مثال می‌زند: «به عنوان نمونه، طبیب در حال حاضر به نشریه‌ای معتبر در سطح پزشکان، داروسازان و دانشجویان تبدیل شـده است و می‌تواند در این به آنالیز دقیقـی نیاز دارد. دکتر فرزندی در ادامه از کمبود داروسـاز، هم در بخش صنعت و هـم در بخش خدمات حرف می‌زند و اینکه مهاجرت در بین داروسـازان زیاد است. حرف آخر را که از او می‌خواهم، می‌گوید: «داروسازان در همـه جای دنیا به آدم‌های سـخت کوش و درس‌خوان معروفند و من روز داروسـاز را به همه آنها تبریک می‌گویم».

محدود است.

اخلاق، عرف، وجدان یا قانون؟!

زمان ما برای گفتگو رو به اتمام اسـت. این را از نگاه‌های دکتر فرزندی به سـاعت متوجه می‌شوم. پس به سراغ سؤال مورد علاقه خودم می‌روم. از دکتر مصطفوی می‌پرسم که در عرصه تبلیغات تا چه اندازه مرزهای اخلاق را رعایت می‌کنـد؟ «به نظر من بازاریابـی در ذات باعث رونق اقتصادی داروسـازان و در نتیجه افزایش سرعت فرآیند تحقیق و آموزش در حوزه دارو می‌شـود، اما از سوی دیگر ما نباید پایمان را از مرزهای اخلاق فراتر بگذاریم. از نظر فرهنگی ما در این زمینه بسـیار غنی هسـتیم و احادیث بسیاری داریم که بیان غیرواقع را تقبیح می‌کنند. شرکت اکسیر نیز که در واقع لیدر تبلیغات نوین در کشور اسـت، همواره این مسئله را رعایت می‌کنـد. در کل من فکر می‌کنم که در بیشـتر تبلیغات دارویی رسـمی در ایران حدود اخلاق رعایت می‌شود».

روز داروساز مبارک!

بـه دکتر فرزندی می‌گویـم این حرف آخر است تا خیالش بابت جلسه‌ای که ساعت ٤ دارد راحت شـود. از آموزش داروسازی و وضعیت داروسازان سـؤال می‌کنم. دکتر فرزندی به این اشاره می‌کند که آموزش داروسازی در کشور ما به بازنگری نیاز دارد و داروسازان باید برای کار در صنعت آموزش داده شوند. بعضی از بخش‌ها باید حذف و برخی دیگر باید اضافه شـوند که این به آنالیز دقیقـی نیاز دارد. دکتر فرزندی در ادامه از کمبود داروسـاز، هم در بخش صنعت و هـم در بخش خدمات حرف می‌زند و اینکه مهاجرت در بین داروسـازان زیاد است. حرف آخر را که از او می‌خواهم، می‌گوید: «داروسازان در همـه جای دنیا به آدم‌های سـخت کوش و درس‌خوان معروفند و من روز داروسـاز را به همه آنها تبریک می‌گویم».

اخلاق حرفه ای داروسازی درباره نحوه مصرف داروها

اخلاق

پیام کشاورز– علاوه بر اینکه پزشک معالج باید برای بیمار چگونگی مصرف داروها را توضیح دهد، دکتر داروساز نیز موظف اسـت چگونگی تجویز داروها را طبق نسـخه پزشـک توضیـح دهد. درصورتی که این احتمال وجود داشـته باشـد که بیمار به درسـتی از عوارض داروها آگاه نشده باشد و یا در اثر بیماری در شرایطی باشد که نتواند به درستی مفهوم حرف دکتر داروساز را درک کند، توضیح مجدد عوارض دارویی برای بیمار و یا یادداشت آن در کنار داروها ضرورت دارد. به عنوان مثال در مورد تجویز داروهای ضد افسـردگی، یک داروساز باید موارد زیر را به بیمار یادآوری کند:

۱– دیـررس بودن پاسـخ دارو در بدن: باید به بیمار توضیح داده شـود که آثار درمانی ۲ تا ۳ هفته پس از شـروع درمان آشـکار می شود ولی ممکن است عوارض جانبی زودتر بروز کند.

۲– توضیـح عـوارض جانبی داروهـا: باید آثار جانبی شـایع داروها مانند خواب آلودگی را توضیح داده و در مورد احتمال خطر در حین رانندگی و کار با ماشین‌آلات سنگین هشدار داد. در مورد سایر عوارض مانند خشکی دهان با مصرف داروهای ضد افسردگی سـه حلقه ای و تحریک پذیری با مصرف داروهای مسدود کننده بازجذب 5-HT نیز می توان بیماران را آگاه کرد.

۳– ایجـاد هیپوتانسـیون وضعیتی در بیماران مسـن: باید در مورد این حالت به بیماران مسن هشدار داد. به عنوان مثال با آموزش در خروج آهسـته از تختخواب از وقوع اتفاقات بعدی جلوگیری کرد.

٤– اطمینـان دادن به بیمار: می تـوان به بیمار اطمینان داد که با گذشـت زمان بیشتر این عوارض کاهش می یابند.

۵– در مورد بیمارانی که دچار افسردگی شدید هسـتند و سـابقه خودکشـی دارند، باید از دادن داروهایی با دوز بالا و میزان زیاد به طوری که امکان خودکشی را برای آنها فراهم کند، اجتناب کرد (به خصوص ضد افسردگی های سه حلقه ای).

عـلاوه بر نکاتـی که در بالا ذکر شـد، تحمیل مخارج غیر ضـروری از طریق معرفـی داروهای دارای عوارض کمتـر و معرفی brand خاص به بیماران ممنوع است.

چرا بدون نسخه دارو نفروشم؟!

وب پزشک

چنـد روز پیـش جوانـی بلند بالا وارد داروخانه شـد و یک بسته قرص دیازپام ۱۰ خواسـت، من هم بـه او گفتم بدون نسـخه نمی‌دهم. فکـر نکنید مـن بدون نسـخه دارو نمی‌دهـم! اتفاقاً می‌دهـم، حتی اگر بدانم طرف می‌خواهدdrug abuse کند. چرا ندهم؟! قیمت یک لنگه سـکوریت می‌شـود ۱۵۰۰۰۰تومـان، چه کسـی این خسـارت را می‌دهد؟ پلیـس ۱۱۰ یا خانـواده آس و پاس معتاد محترم؟!

خلاصه دلیل دارو نـدادن من این بود که از سـابقه دارویی این جوان می‌دانستم به بیماری اسـکیزوفرنی مبتلاست. از آنجا که این بیماران اسـتعداد بالایی برای خودکشی دارند، تصمیم گرفتم این بار به سوگند ۹ سال پیش عمل کنم و از تهدید آن جوان نیز ابایی نداشته‌باشم.

هنوز جمله‌ام کامل نشـده‌بود که دیدم با یک تکه بلوک شکسته دوباره به داروخانه برگشت و تهدیـد کرد که شیشـه پیشـخوان را خواهد شکسـت. من هـم تهدید کردم که یـا می‌رود بیـرون یـا زنـگ می‌زنـم ۱۱۰. حتی به سـلمانی بغل دسـتی که پشت سر جوانک به داروخانه آمده‌بود اشاره‌کردم که زنگ بزند ۱۱۰. آن جوان رعنا هم که دید نمی‌توانـد کاری از پیش ببرد، بعد از کمی فحاشـی به من و نسخه‌پیچ‌ها، داروخانه را ترک کرد و رفت.

اما این پایان ماجرا نبود، ایشان به سراغ مطب کنـار داروخانه می‌رود و بعد از اینکه با جواب منفی منشی مطب مبنی بر به مسافرت رفتن دکتر روبرو می‌شود، شروع به چاقوکشی می‌کند. این جریان با تلفن به پلیس ۱۱۰ همراه شد و بگیر و ببندهای بعدی...

من چه خـوش خیال بودم که فکر می‌کردم آنچنان زهرچشمی از او بگیرند که مدتی آسوده باشـیم، اما زهی خیال باطل! درست ۲روز بعد ایشان را دوباره در خیابان زیارت کردم!

برگرفتـه از وبلاگ « مازیار هسـتم، یک داروساز» [با اندکی تغییر و تلخیص]
/http://daroo72.blogfa.com

غدیر می نگریست

«شهریار گل»
نگار من اگر از غیب در شهود آید
به پای بوسی او هر چه هست و بود آید
غبار درگه او تا کشد چو سرمه به چشم
مسیح از فلک چهارمین فرود آید
به شوق دیدن آن شهریار گل، بلبل
به وجد خیزد و در نغمه و سرود آید
طراز قامت او را فلک کشید تکبیر
چو او قیام کند، چرخ در قعود آید
همان که بر کند از خاک ریشه بیداد
همان که بگسلد از ظلم تار و پود، آید
امام عصر به اجرای حکم شرع مبین
ولی امر به برپایی حدود آید
ز هجر خاطر «آشفته» دارم و غم نیست
همان که خواهدم این غم ز دل زدود، آید
جعفر رسول‌زاده (آشفته)

برای تهیه کتاب، CD و بسته های مربوط به خطبه غدیر با شماره ۲۲۷٤۱۱۶۷ - ۰۲۱ تماس حاصل فرمایید

به مناسبت ایام نیمه شعبان، در منزل استاد شور و غوغایی بر پا بود. فضای منزل با چراغ‌های رنگارنگ و گل‌های زیبا آذین شـده بود. همه در جنب و جوش بودند. به استاد تبریک گفتیم و عرض کردیم به نظر می‌رسـد به دلیل مشغله زیاد امکان ادامه جلسه این هفته مقدور نباشد. با لبخند همیشگی گفتند: برعکس، بخش هشتم خطبه به مطالب اساسی درباره حضرت مهدی ارواحنا فداه و اوصاف و شئون خاص حضرتش اختصاص یافته و آینده پر از عدل و داد به دست آن حضرت را به جهانیان مژده داده است، پس در چنین ایام فرخنده و خجسته‌ای به هیچ وجه نباید ادامه بحث خطبه غدیر کنار گذاشته شود.

به کتابخانه رفتیم و به دور از فضای پر شـور و هیجان جوانانی که همگی با اخلاص مشـغول امور جشن بودند، استاد سخن خود را چنین آغاز کرد:

صدای بال ملائک ز دور می‌آید — مسافری مگر از شهر نور می‌آید؟
دوباره عطر مناجات با فضا آمیخت — مگر که موسی عمران ز طور می‌آید؟
به زخم‌های شقایق قسم هنوز از باغ — شمیم سبز بهار حضور می‌آید
مگر پگاه ظهور سپیده نزدیک است — صدای پای سواری ز دور می‌آید

و امـا در بحث معرفت خدا، به این حقیقت اشـاره کردیم که اعطای معرفت از جانب خود خداسـت و انسـان اگر پس از معرفی خدا، آن را پذیرفت و تسلیم شـد، وظیفه خود را درباره معرفت خدا انجام داده است، بنابراین چنین کسی را می‌توانیم خداشناس بدانیم. منظور از این تعبیر «خداباور» بودن است،نه اینکه تنها حقیقت برایش روشن شده باشد. زیرا چه بسا حجت برای کسـی تمام شـده و خدا در واقع او را به معرفت خود رسـانده است، اما تا وقتی که آن را نپذیرفته و تسلیم آن نشده باشد به او خداشناس گفته نمی‌شود. خداشناس یعنی کسی که پس از نیل به معرفت، آن را تصدیق هم کرده باشد، به همین دلیل اصطلاح «معرفت خدا» به عنوان فعل اختیاری انسان به همین معنا به کار می‌رود.

حال با توجه به این مطالب، سـخن در این است که خداشناسی پس از معرفت پیامبر (ص) بدون امام شناسـی امکان ندارد، منظور از معرفت امام این است که شخص پس از نائل شدن به این معرفت، آن را بپذیرد و تسلیم حقیقت آن شود و با پذیرش و ایمان به آن، وظیفه خود را درباب معرفت امام انجام دهد. چنین فردی را امام‌شناس می‌گوییم.

در حدیث آمده اسـت: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» یعنی هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسـد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته اسـت. در واقع امامت و ولایت بابی اسـت که خداوند برای بندگی خود باز کرده و عبادت را فقط از این طریق ممکن دانسـته اسـت، بنابراین نمی‌توان پذیرفت که شخصی ادعای معرفت خدا را داشته باشد اما نسبت به این امر حالت تسـلیم نداشـته باشد. کسـی که خدا را به خدایی باور دارد، باید پیامبرش را هم بـه پیامبـری و امامش را هم به امامت قبول داشـته باشـد و گرنه اگر در یکـی از اینها تزلزل و تردید داشـته باشد، در حقیقت در خداشناسی تردید کرده و معرفت خدا را نپذیرفته است. به عبارت دیگر، معرفت امام علیه السلام جزیی از معرفت خدا ولازمه آن است. در کتاب اصول کافـی، کتاب الحجه، از ابوحمزه ثمالی روایت شـده که از حضرت امام محمدباقر علیه‌السـلام درباره معرفت خداوند سـؤال می‌کند و می‌پرسد: معرفت خدا چیست؟ حضرت می‌فرمایند: «ایمان به خدا و رسول او و پذیرفتن ولایت امیرالمؤمنین و ائمه هدی و نیز بیزاری جستن برای خدا از دشمنان آنان. این است معنای معرفت خدای عزّوجل».

و نیز از حضرت امام رضا (ع) در بحار، جلد ۲، صفحه ۱۳۲ آمده است که می‌فرمایند: «امام، آب شیرین و گوارای زمان تشنگی و نشانگر هدایت و نجات‌بخش از هلاکت است. امام، مونس مهربـان و پدر دلسـوز و برادر همسـان و مادر نیکـوکار برای فرزند کوچک و پنـاه بندگان در گرفتاری سخت است».کسی که ولایت چنین امامی را پذیرفته، خود را همواره در کنف حمایت و در سـایه پر مهر و عطوفت چنان شـخصیتی قـرار داده و دیگر از هیچ خطـری نگرانی ندارد و دلش شـور چیـزی را نمی‌زند. کدام پـدر را از امام زمان (ع) مهربان‌تـر، آگاه‌تر، با قدرت‌تر، متقی‌تر، خداشناس‌تر و دستگیرتر می‌توان یافت؟

کارهایی را که امام زمان (عج) می‌تواند انجام بدهد، از عهده هیچ پدری و هیچ مادری در حق فرزندشـان برنمی‌آید. کسـی که چنین ولی‌ای دارد و خود را به او سپرده است، هر جا که بخواهد بلغزد یا هوای نفس بر او غلبه کند یا ...، در همه موارد مربی و سرپرست او بالای سرش هست و با آن ویژگی‌هایی که در مورد ایشان بیان شد، هرگز فرزند خود را رها نمی‌کند.با توجه به مطالب فوق، ارزش و اهمیت «معرفت امام علیه‌السـلام» برای ما روشـن می‌شود و اینکه اگر کسی به این گوهر گرانقدر و اکسیر اعظم دسترسی پیدا کند، در حقیقت به سرچشمه همه خوبی‌ها و نیکی‌ها و به عبارتی خیر کثیر دسترسی یافته است. حضرت امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۲۷۳ سوره بقره: «که هر کس به حکمت دسـت یابد پس به تحقیق به خیر کثیر رسـیده است». می‌فرمایند: «طاعة ا... و معرفة الامام» یعنی مراد از حکمت در این آیه که از آن به خیر کثیر تعبیر شده، اطاعت خداوند و معرفت امام علیه‌السلام است.

آری، حکمت واقعی آن علم مسـتحکمی اسـت که قابل رخنه و سسـت شـدن نیست و در مسـیر هدایـت، محکم‌ترین پایه و اسـاس اطاعت و فرمانبـری از خداوند همانـا معرفت امام علیه‌السـلام اسـت. زیرا معرفت امام تنها راه تحقق اطاعت خداست. برای روشن شدن بیشتر مطلب به فرازهایی از زیارت جامعه کبیره می‌پردازیم:

«شما – ائمه علیهم‌السلام– جلال خداوند را بزرگ داشتید، بزرگی مقامش را پاس داشتید، بزرگـواری او را تمجیـد کردیـد و یاد و نـام او را به طور مداوم حفظ کردیـد. میثاق او را محکم نمودید و پیمان اطاعت از او را مسـتحکم داشـتید. در پنهان و آشکار برای او (مردم را) نصیحت کردید و به وسیله حکمت و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کردید. جان‌های خود را در راه رضای او فدا کردید و نسبت به آنچه از ناملایمات در مسیر الهی بر سرتان آمد، به خوبی صبر نمودید. نمـاز را به پا داشـتید و زکات را پرداختید و امر به مـعـروف و نهی از منکر کرده و در راه خدا به شایستگی جهاد کردید. تا آنکه دعوت خدا را علنی ساختید و واجبات او را واضح و آشکار نمودید. حدود الهی را به پا داشتید و نشر احکام و شریعت او را نمودید و سنت‌های خدا را رواج دادید و در این زمینه‌ها طوری عمل کردید که خداوند از شما راضی شد شما تسلیم قضای الهی شدید و همه پیامبران گذشته را تصدیق نمودید».

پیشرو

آیداقصائی

رازی هم بر شانه غول‌پیکران ایستاده‌بود!

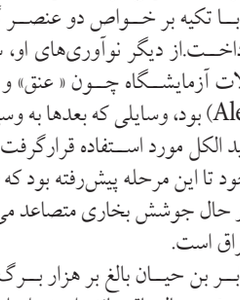

«زکریای رازی» را « پدر داروسـازی» می‌دانند و ۵شهریور را که مصادف با سالروز تولد اوست، «روز داروسـازی» نامیده‌اند اما وقتی نیوتن می‌نویسد:« ما بر دوش غول‌پیکران ایسـتاده‌ایم»، این قاعده، حتی برای غول‌هایی چون « رازی»، جالینوس مسلمین، نیز استثنابردار نیست. بی‌شک نمی‌توان تأثیر دستاوردهای شـیمیدان برجسـته‌ای چون « جابر بن حیان» را در آنچه که به نام رازی ثبت‌شده نادیده انگاشت.

«ابوعبـدا... جابر بن حیان بن عبدا... الازدی» در سال (۸۱۵.م) درگذشت، یعنی ۵۰ سال قبل از اینکه « رازی» متولد شـود. از این رو اطلاعات مربوط به زندگی وی به‌قدری محدود و ناقص است که حتی در رابطـه با تاریخ و محل تولـد او هم اتفاق نظر وجـود ندارد. عده‌ای او را متولد (۷۲۱.م) و برخی دیگر متولد (۷۳۷.م) می‌دانند. از نظر محل تولد نیز، برخی جابر را عرب و اهل کوفه می‌دانند و گروهی او را از اهالی «طوس»، در حوالی خراسان دانسته و ملیت او را «ایرانی» معرفی‌می‌کنند و حتی روایاتی در دست است که اصلیت او را به دلیل تشابه اسمی با «جابر بن افلح»، ستاره‌شناس اندلسی، به یونان و اسپانیانسبت‌می‌دهند!

پدر جابر، حیان بن عبدا...، داروساز بود و همین موضوع مقدمه آشـنایی جابر را با علم شـیمی، از همان دوران کودکی، فراهم‌کرد. بعد از قدرت‌گرفتن عباسـیان، عبدا... و خانواده‌اش بـه کوفه نقل‌مکان کردند. در کوفه در محضر درس امام جعفر صادق(ع) حاضر شـد و ایـن دوره آنچنان تأثیـر عمیقی در شـکل‌گیری نگرش او به علم داشت که در آثارش جابه‌جا از ایشـان نام‌برده‌است. استاد دیگری که در نوشـته‌هایش به کرات از او یاد می‌کند، « خالد بن یزید بن معاویه» است. او طب را نزد وزیر برمکی هارون‌الرشید آموخت. کسی که جابر مجموعه ۱۱۲ کتاب از تألیفاتش را به او اهدا کرده است.

وقتـی « برتلو» ـ شـیمیدان فرانسـوی و « پدر شـیمی سـنتز» ـ درباره او می‌گوید:« جابر در علم شـیمی همان مقام و پایه را داشـت که ارسطو در منطـق»، اغـراق نکرده اسـت. مهم‌تریـن ویژگی جابربن حیان که او را لایق چنین توصیفی می‌کند، تأکید بسـیار زیاد وی بـر « آزمایش علمی» بود. او نخسـتین دانشـمندی اسـت که تلاش‌کرد شیمی روز (کیمیاگری) را از بند افسـانه‌های کهن مکاتب اسـکندریه برهاند و آن را به صـورت یک «علم» درآورد. بی‌شک جابر اولین دانشمند شرقی است که می‌توان او را شیمیدان نامید، همچنان که در بسیاری متون او را « پدر علم شـیمی» معرفی‌کرده‌اند.گرچه برخی منابع، کشـف «اسید سولفوریک» را به رازی نسـبت‌می‌دهند، اما این حیان بود که برای نخستین بار« اسـید سـولفوریک» را از تغلیظ زاج سـفید و حل‌کردن گازهای حاصل در آب به‌دسـت‌آورد. او همچنیـن از تقطیر مخلوطی از زاج سـبز، نیترات پتاسیم و زاج سفید به « اسید نیتریک» دست یافت.

اسید هیدروکلریک، اسید سیتریک، اسید استیک، اسـید تارتاریک، اکسید آرسـنیک و سود سوزآور از دیگر اکتشـافات اوسـت. او اولین کسی بود که فرایندهای تقطیر، میعان، تصعید و تبرید را به‌انجام رساند، چهار مفهوم گرما، سرما، خشکی و رطوبت را وارد فیزیک ارسطویی کرد و به توجیه ویژگی‌های فلـزات بـا تکیه بر خـواص دو عنصـر گوگرد و جیوه پرداخـت.از دیگر نوآوری‌های او، سـاخت ابزار و آلات آزمایشـگاه چـون « عنق» و «الانبیق» (Alembic) بود، وسایلی که بعدها به وسیله رازی برای تولید الکل مورد اسـتفاده قرارگرفت. او حتی در آثار خود تا این مرحله پیش‌رفته بود که فهمید از شراب در حال جوشش بخاری متصاعد می‌شود که قابل احتراق است.

از جابـر بن حیـان بالغ بر هزار بـرگ کتاب و بیش از ۵۰۰ رسـاله باقی‌مانده است. اصل بسیاری از نوشته‌های او به زبان رمز تحریر شد که متأسفانه فهم مطالب آنها امکان‌پذیر نیست. به جز مجموعه ۱۱۲ جلدی اهداشـده به وزیر هارون‌الرشید، جابر یک مجموعه ۷۰ جلدی شامل:« کتاب الاحجار» و «کتاب الزهره» ، یک مجموعه ۱۰ جلدی در معرفی کیمیاگران نامدار و نیز تعدادی کتاب در زمینه فرضیه مشهور خود « تئوری تعادل مواد» دارد.

به گفته «جرج سارتن»، جابر را باید بزرگ‌ترین دانشـمند قرون وسطی دانسـت و بی‌دلیل نیست کـه گودالـی در کره ماه به نـام او، « گودال جابر » (Geber's crater) نامیده‌شده‌است.